

چهار دیدار درباره خطر کمونیسیم

○ هدایت الله بهبودی

۲۵۵

اشاره

آنچه در پی می‌آید گزارشی است از چهار دیدار تیمسار ناصر مقدم، رئیس ساواک، با مقامات سازمان C.I.A. در این گزارشها سه مقام ملاقات شونده چنین معرفی شده‌اند: فلتن، رابط سرویس امریکا - ژنرال یوجین تای و دکتر بویی معاون سرویس امریکا. دو دیدار اول در زمان دولت جعفر شریف امامی است؛ یکی در اوایل کار این دولت (۱۳۵۷/۶/۱۲) و دیگری در اواخر آن (۱۳۵۷/۸/۹). دولت شریف امامی در پنجم شهریور ۱۳۵۷ روی کار آمد و در چهاردهم آذر همان سال سقوط کرد. دیدارهای دوم و سوم (در دیدار سوم سفیر امریکا هم حضور دارد) در دوره دولت نظامی ارتشبد غلامرضا ازهاری صورت می‌گیرد.

آنچه در بررسی گزارش این دیدارها نمود می‌یابد، سرگردانی و ناتوانی در تحلیل رویدادهای ایران است؛ هم از ناحیه مقامات امنیتی ایران و هم از طرف نمایندگان C.I.A. ساختار نظری دستگاه امنیتی محمدرضا پهلوی بر اساس «خطر کمونیسیم» سازمان یافته بود و هیچ رخداد اجتماعی علیه حکومت متصور نبود مگر آنکه دست همسایه شمالی (اتحاد جماهیر شوروی - مبدأ و منشأ کمونیسیم) در آن دخیل بوده باشد. پی‌گیری تحلیلهای ارائه شده از سوی دولتمردان شاه در فاصله آبان ۱۳۵۶ - پس از رحلت آیت الله سیدمصطفی خمینی - تا روی

کار آمدن دولت جدید (سقوط دولت جمشید آموزگار و تشکیل دولت جعفر شریف امامی) در ابتدای شهریور ۱۳۵۷، نشان دهنده همین موضوع است. اما در این زمان شاه به باور تازه‌ای می‌رسد؛ و آن اینکه فعالیتهایی که علیه حکومت او صورت می‌گیرد خارج از توان ک. گ. ب (سازمان جاسوسی شوروی) است و باید دست سازمانهای امنیتی انگلستان و امریکا در کار باشد! ویلیام سولیوان، سفیر امریکا، در تهران پس از شنیدن چنین عقیده‌ای از طرف شاه، مبهوت می‌شود و در خاطرات خود از آن با تعبیر «اتهامات خودساخته» یاد می‌کند. با وجود این، سپهد مقدم در دیدارهای خود با مقامات C.I.A با تأکید و اصرار، در صدد القای دخالت کمونیستها در رویدادهای ایران است و برای معجب کردن مقامات امنیتی امریکا، از ارائه اطلاعات نادرست ابا نمی‌کند و حتی غیرمستقیم برای از بین بردن امام خمینی از مأموران C.I.A یاری می‌خواهد. استیصال و واماندگی عالی‌ترین مقام امنیتی ایران از خلال این گزارشها نمایان است. او مدام نهضت اسلامی ایران را نتیجه هماهنگی کمونیستها و مذهبیها معرفی می‌کند و به رابط سازمان سیا تأکید می‌کند که دست خارجیان در کار است! او ایران را در آستانه تجزیه شدن نشان می‌دهد و با طرح مسائلی چون سوء قصد به اتباع امریکایی، قطع صدور نفت و آغاز مبارزه مسلحانه، خواهان کشاندن طرف امریکایی به دایره وحشتی است که او و همکارانش خود را در آن می‌بینند. ناصر مقدم در این کار موفق نیست. روشن است که امریکاییها اظهارات او را بر اساس داشته‌ها و اطلاعات خودشان تجزیه و تحلیل می‌کنند. هر چند بعدها عملکرد C.I.A نسبت به این دوره زمانی حساس، مورد نقد قرار گرفت و از نظر دولتمردان امریکایی نمره قبولی به دست نیامد، اما اطلاعات این سازمان از منطقه خاورمیانه به اندازه‌ای بود که ابعاد تبلیغاتی اظهارات ناصر مقدم را از جنبه‌های واقعی آن تشخیص دهد. در این گفت و گوها مقدم چندین بار - به طور غیرمستقیم - از مقامات C.I.A می‌خواهد که اگر بتوانند «خمینی را خاموش کنند»، جبهه ملی می‌تواند اداره امور کشور را به دست گیرد، چون در آذرماه ۱۳۵۷ این نظریه هم برای امریکاییها و هم برای حکومت ایران جا افتاده بود که تنها راه حفظ سلطنت و قانون اساسی، بهره‌برداری از نیروهای جبهه ملی است.

گفتنی است که ساختار نظری ساواک (محور قرار دادن کمونیسم در علت پیدایش رویدادهای سیاسی - اجتماعی) با اوج‌گیری مبارزات مردمی، کارکرد خود را از دست داد و توهمهای سیاسی جای آن را گرفت. این سازمان امنیتی در آذرماه سال ۱۳۵۷ به مرتبه‌ای نزول کرد که دولتمردان شاه از آن به عنوان یک خبرگزاری یاد می‌کردند؛ چرا که تحلیلهای ارائه شده از طرف آن به واقعیت نپیوسته بود و مأموران ساواک صرفاً گزارشگر وقایع اتفاقیه

چهار دیدار درباره خطر کمونیسیم

بودند. ضمن مرور متن این چهار دیدار - که با طبقه بندی سری به چند مدیر کل ساواک فرستاده شده بود- توضیحاتی را در پانویس آن یادآور می شویم. این توضیحات، گویاسازی برخی از اشخاص و جریانها و ارقام است و شامل همه موارد ابراز شده از طرف رئیس ساواک نمی شود.

شماره: ۵۱۰۰۰/۱۱۴۸۲

تاریخ: ۵۷/۹/۱۴

پیوست: دارد

فقط برای اطلاع مدیریت کل اداره سوم
به فرموده شخصاً مفتوح فرماید

به: مدیریت کل اداره سوم

از: اداره همکاریها

۲۵۷

درباره: مذاکرات

بفرموده ۱۵ برگ فتوکپی مذاکرات اخیر تیمسار ریاست ساواک با مقامات امریکائی که طی آن وقایع نامطلوب اخیر مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است به منظور هماهنگیهای لازم به پیوست ایفاد می گردد.

بفرموده این مدارک فقط برای مطالعه آن مدیریت کل بوده و مقرر است با توجه به طبقه بندی حفاظتی سطح بالای این مدارک بعد از مطالعه مدارک موردنظر را در بایگانی شخصی نگاهداری فرمایند.

رئیس اداره همکاریها - محیط

گیرندگان:

مدیریت کل اداره دوم	بانضمام ۱۵ برگ فتوکپی مذاکرات موردنظر جهت اطلاع و اقدام مشابه
مدیریت کل اداره هفتم	بانضمام ۱۵ برگ فتوکپی مذاکرات موردنظر جهت اطلاع و اقدام مشابه
مدیریت کل اداره هشتم	بانضمام ۱۵ برگ فتوکپی مذاکرات موردنظر جهت اطلاع و اقدام مشابه

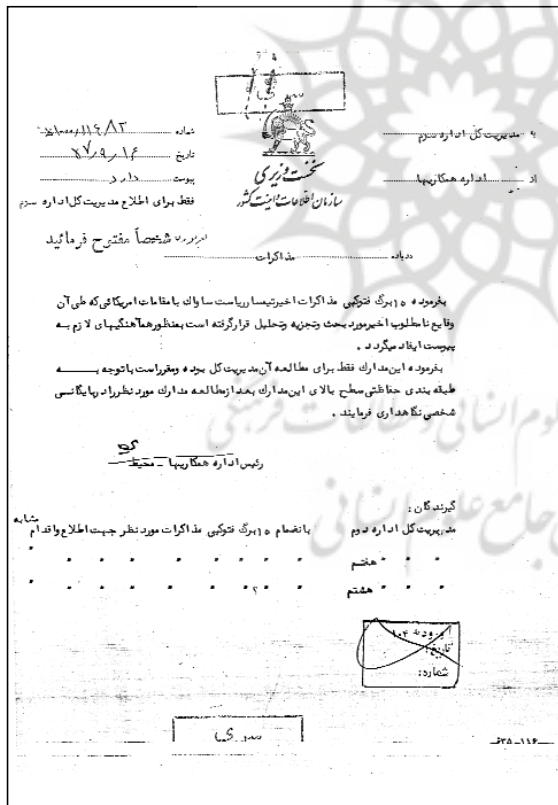
ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای «فلتن» رابط سرویس امریکا

(۵۷/۶/۱۲)

رابط امریکا^۱ در این ملاقات اظهارات زیر را به عمل آورد:

سفیر امریکا که اخیراً از مرخصی دو ماهه مراجعت کرده افتخار شرفیابی به پیشگاه شاهنشاه را پیدا کرده است. در این شرفیابی فرمودند گزارشاتی دریافت شده مبنی بر اینکه پاره‌ای از دولتهای خارجی در تحولات اخیر ایران و تظاهرات خصمانه بعضی گروهها دخالت داشته‌اند. سفیر امریکا در پاسخ بشرفعرض رساند که البته نمیتواند از طرف دولتهایی مانند شوروی و لیبی صحبت کند اما در مورد امریکا اطمینان میدهد که هرگز دخالتی در وقایع اخیر نداشته است. سفیر امریکا سپس از پیشگاه شاهنشاه استدعا کرد که در مورد تعقیب موضوع و پیدا کردن منابع این اتهامات نامبرده را هدایت بفرمایند.^۲ شاهنشاه توصیه فرمودند که سفیر با نخست‌وزیر و وزیر دربار مذاکره نماید.

پنجشنبه گذشته سفیر با وزیر دربار ملاقات کرد و ایشان توصیه کردند که نماینده سیا در ایران با تیمسار مقدم ملاقات بعمل آورد. روز گذشته هم سفیر با جناب آقای نخست‌وزیر تماس گرفت و ایشان هم همین توصیه را کردند.^۳ بنده بنماینده‌گی از طرف دولت امریکا و سازمان سیا صریحاً میگویم و اطمینان میدهم که دولت امریکا بهیچوجه در مورد ایجاد اشکال برای شاهنشاه ایران و دولت ایران فعالیتی نداشته و ندارد. سفیر امریکا به اعضاء ارشد سفارت امریکا دستور داده که با توجه به اینکه دولت امریکا کماکان از شاهنشاه بعنوان تنها عاملی که ضامن ثبات



چهار دیدار درباره خطر کمونسم

ایران و رفاه ملت ایران میباشند حمایت میکند از اینرو اعضای سفارت باید این نکته را برای طرفهای متقابل خود یعنی جامعه دیپلماتهای مقیم ایران مثلاً برای اعضای سفارت انگلیس روشن کنند. اگر ساواک و دولت ایران گزارشاتی از فعالیتهای رسمی و غیررسمی امریکاییها در ایران بدست آورده اند که موجب این سوء تفاهم شده بسیار خوشحال خواهیم شد هرگاه این گزارشات را در اختیار ما بگذارید. میدانید که شورویها و کشورهای اقمار آنها در گذشته سعی کرده اند که مناسبات ایران و امریکا را تیره سازند. حتی فلسطینیها هم در این مورد نقشی داشته اند ما از واشنگتن و ایستگاههای سازمان سیا در کشورهای اطراف ایران درخواست اطلاعات کرده ایم. اما متأسفانه چیز مهمی تاکنون دریافت نکرده ایم و بدیهی است که بهره این قبیل شایعات نصیب شورویها و اشخاصی مثل قذافی میشود.

چند روز پیش تلگرامی از توکیو داشتیم که طی آن مقامات ژاپنی که گویا گزارشهایی از سفارت خود در تهران پیرامون وقایع اخیر دریافت کرده اند سؤال کرده بودند که آیا خطرات جانی متوجه هواکوفنگ طی اقامتش در ایران نمیشود؟ البته ما پاسخ دادیم که بهیچوجه چنین چیزی نیست و مقامات دولت ایران بکار خودشان در این قبیل مواقع وارد هستند.^۴ در هر صورت بعنوان افسر ارشد سازمان سیا مایلیم بشما اطمینان بدهم که ما در وقایع نامطلوب اخیر ایران هیچ دخالتی نداشتیم البته ما نمیتوانیم از طرف کنگره امریکا صحبت کنیم اما تا آنجا که مربوط به دولت امریکا و سازمانهای وابسته میشود میتوانیم اطمینان خاطر بدهیم. از شرفعرض پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر گذشت. ملاحظه فرمودند.

سپهبد مقدم ۵۷/۶/۱۲

۲۵۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ملاقات و مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با آقای فلتمن

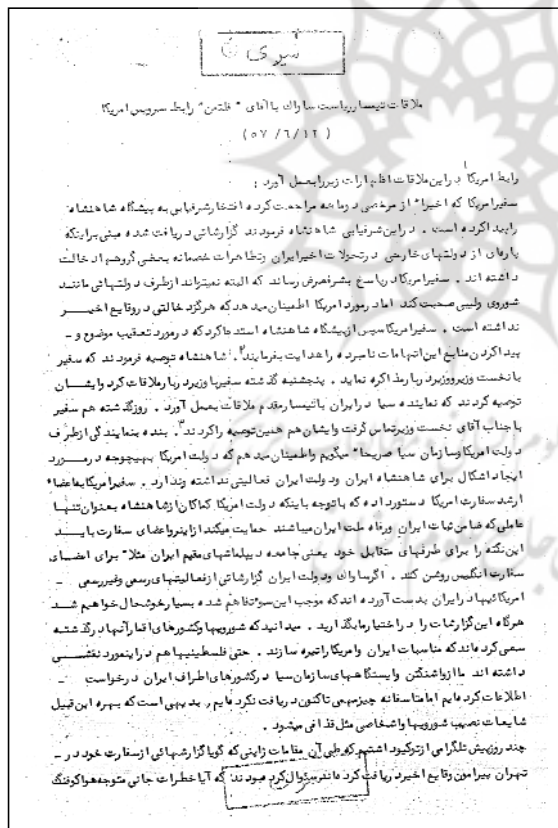
رابط سرویس امریکا

(تهران - ۱۳۵۷/۸/۹)

آقای فلتمن: مدت ۲ هفته در واشنگتن بودم. مطالبی بود که با توجه به توجیهاتی که شاهنشاه و جنابعالی و همچنین ضد اطلاعات نسبت به اینجانب معمول داشتید به مقامات امریکائی گفتم. روز گذشته هم افتخار شرفیابی به پیشگاه شاهنشاه را داشتم. در امریکا با مقامات عالیرتبه

سرویس خودمان و نیز وزارت امور خارجه و وزارت دفاع امریکا صحبت کردم. موقعی که در امریکا بودم چند مشکل دیگر هم پیرامون ثبات ایران بروز کرد که از من خواستند بعد از مراجعت این مشکلات را مورد بررسی قرار دهم. هفته آخر که در امریکا بودم اعتصابات و تظاهرات بخصوص در شهرهایی که فاقد حکومت نظامی بود و همچنین در تهران وسیله عناصر دانشجو و غیره در خیابانها توسعه پیدا کرد که اسباب نگرانی ما را فراهم ساخته است. نتیجه گیری من از اوضاع همان نتیجه گیری سابق است. یعنی شاهنشاه با پاره ای مشکلات ظاهری (قابل رؤیت) مواجه هستند که بر ابعاد این مشکلات افزوده شده است. اما من به سازمان سیا گفتم که شاهنشاه کنترل اوضاع را شخصاً بدست دارند و هر موقع بخواهند میتوانند تغییرات لازم را بدهند. هفته ها و ماههای آینده و بطور کلی آینده نزدیک فوق العاده مورد توجه و اشنگتن خواهد بود که سعی خواهم کرد با کمک شما و سایر دوستان تصویر واقع بینانه ای برای واشنگتن ترسیم نمایم.

البته مطبوعات و گروههای مخالف گرفتار هیجاناتی هستند که آنها را از بیان واقعیات باز میدارد. نکته دیگر مربوط به تیمسار نصیری است که البته من ایشانرا نمیشناسم ولی وقتی در واشنگتن بودم با اشخاصی ملاقات کردم که ایشانرا میشناختند و طی سالیان درازی که ایشان مصدر کار بودند با ایشان همکاری داشتند. من حامل همدردی و تفاهم این عده از مقامات امریکایی به طور رسمی و خصوصی برای تیمسار نصیری هستم.^۵ مطلب دیگر اینکه هم اکنون یک تاجر امریکائی بنام «ناکه» در تهران است. ایشان قبلاً قائم مقام سرویس امریکا بوده اما اکنون

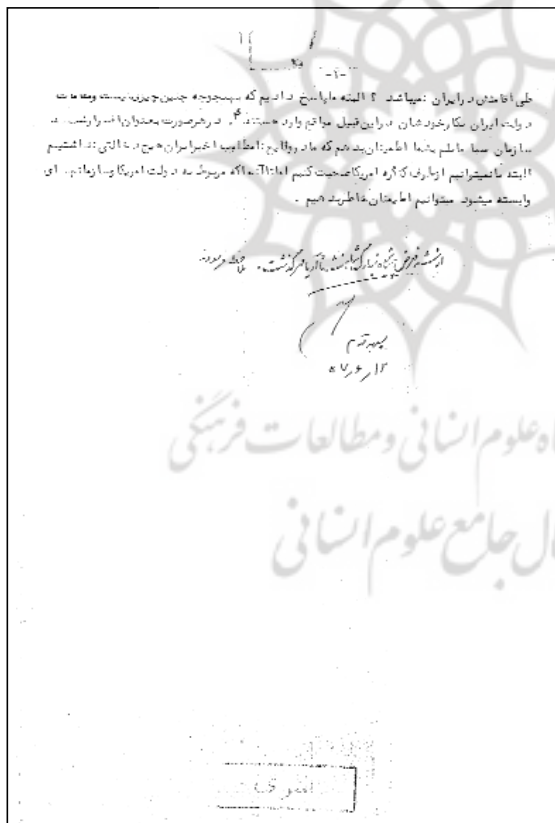


چهار دیدار درباره خطر کمونیسم

بازنشسته شده و برای کمپانی بوئینگ کار میکند و فقط یک بازرگان است. ضمناً موقعی که در نیویورک بودم آقای رفیع زاده^۶ نماینده شما از من برای ناهار دعوت کرد که لازم میدانم از شما تشکر کنم. میخواستم با اطلاع برسانم که یک مترجم تمام وقت روز ۶ نوامبر برای نوارهای عملیاتی اداره کل هشتم تهران وارد میشود. این شخص قبلاً در نایروبی خدمت میکرد و وقتی من بازرس سرویس بودم با او آشنا شدم. خودش و خانمش روسی الاصل هستند که اکنون تغییر نام داده (آقا و خانم نیکلز) و به تابعیت امریکا درآمده و عضو سرویس هستند. یک نفر بررسی کننده اوضاع شوروی نیز که عضو نمایندگی ما در توکیو است بمدت یکماه بتهران میآید تا با اداره کل هشتم همکاری کند و پیرامون مسائل شوروی کاملاً صاحب نظر است. نکته دیگری که باید عرض کنم اینستکه والاحضرت ولیعهد ایران قرار بود روز ۱۳ اکتبر از مرکز سازمان سیا به مدت نصف روز دیدن بفرمایند. که امیدوارم این بازدید بنحو رضایتبخشی انجام شده باشد.^۷

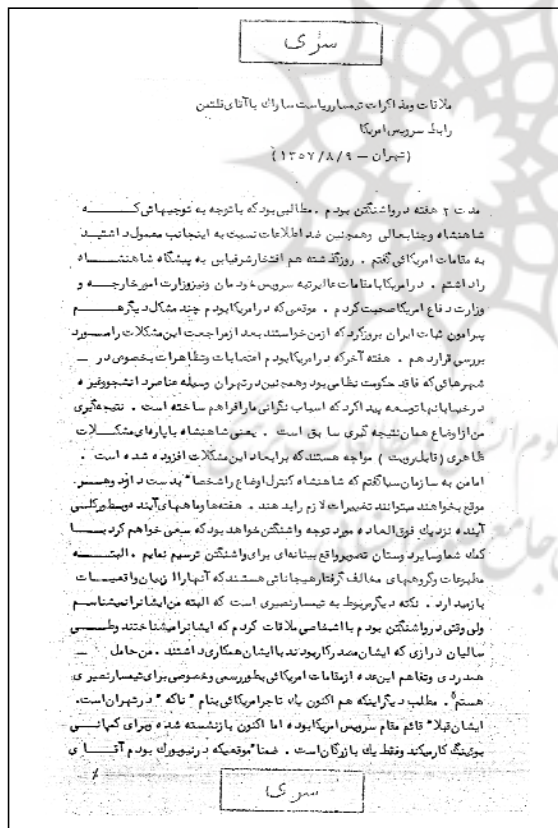
بنظرم تظاهرات در ایران ادامه خواهد یافت. میخواستم از شما پرسم که این تظاهرات کی به پایان خواهد رسید؟ و آیا در مرحله ای از آن مشکلات خاصی از نظر امنیتی برای سفارت امریکا و پرسنل ارتش امریکا در ایران ایجاد خواهد کرد؟

تیمسار ریاست: مشکل تظاهرات فعلی در اینستکه کمونیستها و مذهبیهون مخلوط هستند و این دو گروه پای جوانها و کودکان را نیز بمیان کشیده اند و هر اقدام حادی که علیه آنها انجام شود موجب از میان رفتن بچه ها و مردم عادی مذهبی میشود و باز هم باید متأسفانه بگویم با دستوراتی که از خارج میرسد کار بصورت یک



جنگ فرسایشی درآمده و قرائتی در دست است که کمونیستها و مذهبپون مشغول توزیع سلاح میان هواخواهان خود میباشند. تظاهرات از نظر شدت روز بروز توسعه پیدا میکند و تهدید بطور اعم در تمام نقاط و بر روی کلیه هدفها ابعاد بزرگتری بخود خواهد گرفت. هم اکنون در شهرستانها تظاهرات با استفاده از اسلحه شروع شده است بخصوص در کردستان. همچنین شعارهای تجزیه طلبی داده میشود و این شعارها و علائم و نشانه‌هایی که در تظاهرات دیده میشود همراه با پرچم سرخ در دست متظاهرين بتعداد خیلی زیاد میباشد. مذهبپون با این اعتقاد که کمونیستها در کنار آنها هستند نسبت به آنان هماهنگی نشان میدهند و فکر میکنند که بعد از نیل به هدف میتوانند کمونیستها را کنار بگذارند. کمونیستها به این نیت مذهبپون واقف هستند ولی اطمینان دارند که دست آخر یعنی بعد از سرنگونی رژیم ناپودی مذهبپون برایشان کار آسانی است. از این رو ضمن ریشخند کردن مذهبپون عکس العمل حادی بر علیه آنها بمصلحت

نمیدانند. جنگ فرسایشی بتدریج سبب پراکندگی و تضعیف نیروهای انتظامی و نیروهای مسلح شاهنشاهی میشود. شاهنشاه که اعتقاد کامل به فضای باز سیاسی و دموکراسی و اجرای قانون اساسی دارند اجازه عکس العمل شدید را از ناحیه نیروهای مسلح و انتظامی نمیدهند. این تضعیف تدریجی نیروهای مسلح یعنی شهربانی - ژاندارمری - سازمان امنیت و ارتش و نیز توسعه تهدید و تظاهرات در مقیاس وسیعی در سراسر کشور به کمونیستها امکان میدهد که تدریجاً علیه بیگانگان مقیم ایران نیز عکس العمل نشان بدهند. ظرف هفته اخیر در دو منطقه



نشانه‌هایی از این عکس‌العمل دیده شده قبلاً هم یک مورد در اصفهان داشتیم. البته دولت به این مسئله اهمیت خاص می‌دهد یعنی حفظ و حمایت از اتباع بیگانه را وظیفه خود میدانند. طبق آخرین اطلاع در زمینه تهدیدات براندازی روی منابع ملی از جمله نفت گذاشته‌اند. متأسفانه میزان بهره‌برداری از ۵/۵ میلیون بشکه به ۱/۵ میلیون بشکه ظرف روز گذشته کاهش یافته که آنهم فقط کفاف مصرف داخلی را میکند. اما متأسفانه امروز خبر کاهش تولید را تا حد ۱/۱ میلیون بشکه داشتیم که برای فردا پیش‌بینی نیم میلیون بشکه میشود و این بزرگترین صدمه علیه مملکت از نظر سوخت رسانی داخلی می‌باشد چون تمام نقاط حیاتی ما فلج میشوند و حتی نیروهای مسلح هم متوقف خواهند شد. گفته میشود آیت‌اله خمینی در پاریس تحت تأثیر عواملی از جمله دکتر یزدی و صادق قطب‌زاده قرار دارد و این دو نفر او را هدایت می‌کنند. خمینی اعلام کرده که تاسرنگونی رژیم جهاد لازم و جنگ فرسایشی و جنگ مسلحانه را ادامه

خواهد داد و این مسئله بتدریج مورد قبول روحانیون داخل که تاکنون مخالف خمینی و طرفدار اجرای قانون اساسی بودند قرار گرفته است. روحانیون داخلی هماهنگی‌هایی با نظرات خمینی که همان نظرات کمونیست‌ها است یعنی سرنگونی رژیم از خود نشان داده‌اند.^۸

فلتمن : مطلبی است که از طرف خودم و به طور شخصی می‌خواستم بگویم. در میان دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران شیاعتی است مبنی بر اینکه برخی از تظاهرات مخالف وسیله ساواک و ارتش براه انداخته شده تا شاهنشاه را برای قبول یک دیکتاتوری نظامی زیر فشار بگذارند.



تیمسار ریاست : تکذیب میکنم . حتی تظاهرات موافق را هم که میگویند ما براه انداخته ایم تکذیب میکنم . این هفته دولت فکر میکرد که تظاهرات موافق را ما ایجاد کرده ایم و مقامات وابسته به دولت مصرّاً از اعلیحضرت خواسته بودند دو نفر از عناصر پرسنلی ساواک را برکنار بفرمایند در حالیکه میدانستند ما هیچکس را برای براه انداختن تظاهرات حتی توجیه هم نکرده ایم و دخالتی نداشته ایم.^۹ معذک دولت اقداماتی کرده که ما مجبور شدیم دو نفر از پرسنل خود را که در مشاغل حساس بودند برکنار کنیم . حتی بعضی از دوستان آقای نخست وزیر این شایعه را رواج دادند و هدف آنها دفاع از دولت است و میگویند اگر دولت در اجرای برنامه های خود موفق نشده دلیل آنها دخالت نیروی مسلح یا ساواک در ایجاد اینگونه تظاهرات است . متأسفانه حتی دولت این مطالب را به سرویسهای اطلاعاتی خارج هم گفته است و ما ضمن تکذیب تعجب میکنیم . من در اینجا صریحاً اعلام میکنم که شاهنشاه کتفهای ما و نیروهای مسلح را بسته اند و کارها را در اختیار نخست وزیر مملکت گذاشته اند . البته ما در حیرتیم که چرا شاهنشاه این سیاستها را اجرا میکنند . منظورم از ما مسئولین نیروهای مسلح و انتظامی مملکت است . کلمه ای بکار بردید مبنی بر (مشکلات ظاهری شاهنشاه) منظورتان چه بود؟

آقای فلتنم : منظورم مشکلات علنی ایشان بود که همه کس میتواند ببیند مانند تظاهرات و غیره .
ملاحظه شد ۸/۱۰

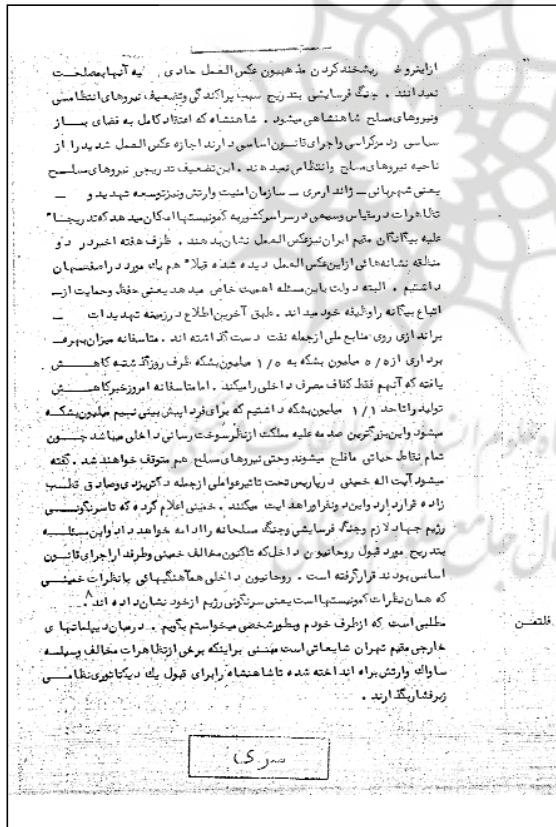
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ملاقات و مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال «یوجین تای»
(سفارت امریکا - تهران - ۱۳۵۷/۹/۸)

تیمسار ریاست ساواک : عقیده دارم که اگر دوستان توجه بیشتری به منافع ما و بنفع خودشان داشته باشند یعنی به تهدید موجود به نحو عمیقتری نگاه کنند مسائل و مشکلات زودتر حل و فصل خواهد شد . مدتها پیش کمونیستها در این کشور زیربنای کار خود را آماده کردند . یعنی با کار کردن روی جوانها بتدریج تمام سازمانها را کم و بیش در اختیار خود درآوردند . مثلاً دستگاههای تبلیغاتی از قبیل مطبوعات - رادیو و تلویزیون و حتی وزارت فرهنگ و هنر را زیر

نفوذ خود گرفتند. هنگامیکه شاهنشاه تصمیم گرفتند نوع و فرم رژیم را عوض کنند یعنی معظم له فقط سلطنت کنند نه حکومت و اصول قانون اساسی را بطور کامل بمورد اجراء در آورند کمونیستها از این وضع بنفع خود کمال استفاده را کردند. ناراضائی در هر جامعه ای وجود دارد اما در جامعه ما رشد سریع برای تغییر جامعه از یک جامعه عقب افتاده به یک جامعه پیشرو که ناشی از وجود پول زیاد بود باعث مشکلاتی گردید. بعنوان مثال بتعداد اتومبیلهایی که در حال حاضر در سطح شهر در مقایسه با ۱۵ سال پیش حرکت میکنند نگاه کنید یا بتعداد دانشجویان که در ۱۵ سال پیش ۳۰ هزار نفر بود و اکنون ۳۰۰ هزار نفر میباشند و یا بتعداد دانش آموزان که تعداد آنها هم اکنون بین ۹ تا ۱۰ میلیون نفر رسیده است.^{۱۰} کارخانجات در مقیاس وسیعی افزایش یافته اند. تنها جائی که نفوذ عناصر چپ با مشکلاتی مواجه شد ارتش بود که آنها بعلت وجود دیسپلین نظامی است. البته حکومتهای گذشته هم اشتباهاتی مرتکب شده اند که یکی از

این اشتباهات عدم توجه به عامل مذهب میباشد. باید بگویم که از ۳۵ میلیون جمعیت این مملکت ۳۰ میلیون نفر از نظر طرز فکر مذهبی فئاتیک هستند و تلاش کمونیستها در جهت جدائی حکومت از مذهبیین مردم را بدین نمود. فضای باز سیاسی نیز به مخالفان کمک کرد و دولت از چند طرف دچار حملات تبلیغاتی گردید. روشنفکران و گروههای ملی با استفاده از فضای باز سیاسی اداره امور مذهبیین را در دست گرفتند و در نتیجه دو گروه مذهبی در مملکت ایجاد گردید. اول گروه طرفدار رژیم اما ناراضی و دوم گروه مخالف رژیم و باز هم ناراضی. کمونیستها از این ناراضیاتی کمال



ارتش ملحق میشوند و تحت تأثیر تبلیغات چپ افراطی قرار دارند معلوم نیست چه حالتی را بوجود بیاورند. بنظر شخص من باید روحانیون طرفدار رژیم که اکثریت را تشکیل میدهند تقویت شوند. موضوع ساکت کردن خمینی خیلی اهمیت دارد بعلاوه اکثریت مردم به بخش فارسی بی. بی. سی گوش میکنند و بی. بی. سی هم سخنگوی نیت خمینی شده است. تمام دستورات مربوط به اعتصابات و تظاهرات از طریق بی. بی. سی پخش میشود و اگر بی. بی. سی این حرفها را نزند بسیاری از گرفتاریها تمام میشود. اعتقاد دارم که اگر قشریون مذهبی که گروههای عقب افتاده ای هستند و توانائی اداره کردن خود را نیز ندارند و از نظر بینش علمی مشابه کشیهای قرن پانزدهم اروپا میباشند مورد بهره برداری کامل کمونیستها قرار گیرند تمام زحماتی که طی ربع قرن اخیر در ایران متحمل شده ایم بهدر خواهد رفت. اعلیحضرت مایلند که دموکراسی واقعی در کشور برقرار شود و به اشتباهات خود نیز در گذشته وقوف کامل دارند.

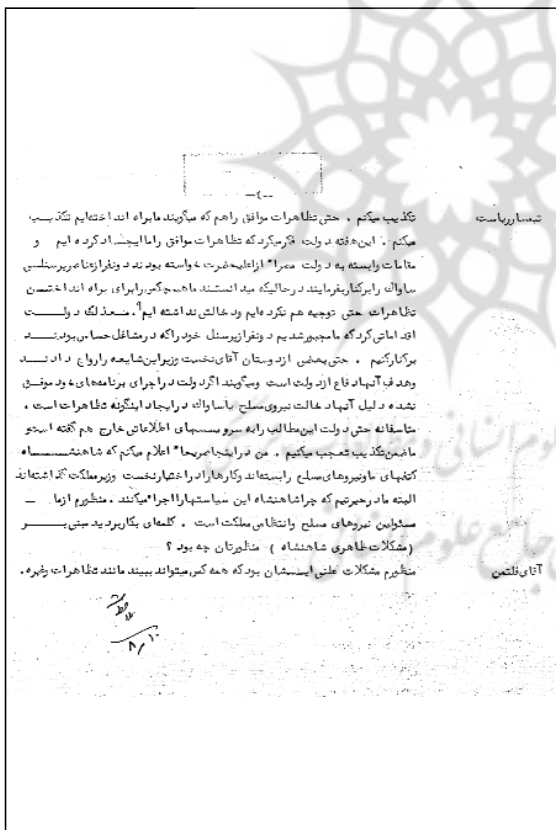
و از اینرو میخواهند یک دولت ملی در مملکت ایجاد شود ولی گروههای ملی با توجه به رویه خمینی نمیتوانند حکومتی تشکیل دهند. من با آقای دکتر سنجابی ملاقات داشتم ایشان میگفت اگر میتوانستیم در مقابل خمینی مقاومت کنیم زحمات ۲۵ ساله ما برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک بنتیجه میرسید. آقای دکتر سنجابی اضافه کرد امیدوارم حکومت نظامی بتواند امنیت را در مملکت مستقر کند تا بعداً ما بتوانیم روی کار بیائیم.

ژنرال تای : تصویر بسیار روشنی از اوضاع ترسیم فرمودید. سال قبل که تهران بودم هیچ نشانه ای از ناآرامی مشهود



بهره برداری را کردند و دسته دوم را تقویت کردند. این کمونیستها بودند که از قشرون مذهبی برای بی نظمی استفاده کردند و گروههای سستی تروریست هم از این فرصت استفاده نمودند. اما مذهبیهون موافق رژیم یعنی گروه اول سکوت کردند و علت آن این بوده و هست که مرعوب خمینی و طرفداران او هستند. مثلاً رهبران طرفدار رژیم همگی مقیم قم هستند اما کمونیستها در لباس آخوندها دست به یک سلسله عملیات ایدئائی علیه این رهبران زدند به طوریکه آنها برای ایمنی جان خود از ما کمک خواستند. فقط ۵ تا ۱۰ درصد مردم فعال مملکت تهدیدی برای رژیم بوجود میآورند و ۹۵ درصد دیگر سالم هستند اما همین ۵ یا ۱۰ درصد وسیله کمونیستها سازمان یافته اند. کمونیستها در سازمانهای حساس مملکت مثل نفت - آب و تلفن و غیره نفوذ کرده اند و مذهبیهون را سپر خود ساخته اند. نیروهای انتظامی مانند پلیس و ارتش به درگیریهای شهری آشنایی ندارند و بعلت این بی تجربگی تعدادی کشته شده اند و این خواسته قشرون

مذهبی برهبری خمینی میباشد چون کمونیستها و طرفداران خمینی اعلام کرده اند میکشیم و کشته خواهیم شد تا حکومت سرنگون شود. با این ترتیب هرگونه عکس العمل شدید دولت باعث کشته شدن تعداد بیشتری از مذهبیهون خواهد شد چون کمونیستها از این عده بعنوان سپر استفاده میکنند. از طرف دیگر شاهنشاه روی فرمایشات قبلی خود در زمینه فضای باز سیاسی و قانون اساسی باقی مانده اند و از اینرو سازمانهای امنیتی و پلیس فقط موقعی وارد عمل میشوند که واقعاً مورد حمله قرارگیرند. ارتش کاملاً وفادار است اما سربازان وظیفه ای که در آینده به



نبود. اما باید به حوادث افغانستان - پاکستان - شاخ افریقا و نیز دوری نسبی عراق از شوروی و نزدیکی نسبی این کشور با ایران و سوریه توجه داشت. شکست شوروی از تشکیل کنفرانس ژنو این کشور را نگران کرده است. موضوع ضد امریکائی بودن مسکو امر تازه ای نیست و شورویها حتماً از احساسات ضد خارجی در ایران بهره برداری می کنند. بعلاوه در عصر جدید بارها ائتلاف مارکسیستها و پیروان مذاهب مختلف را بچشم خود دیده ایم. تصور میکنم شوروی هم مثل امریکا نگران اوضاع ایران است. البته شوروی مایل به نفوذ در ایران است ولی بنظر من نمیخواهد رژیم شاهنشاه را سرنگون کند. متأسفانه تعداد زیادی از اعضا حزب غیر قانونی توده در خارج از ایران هستند حتی در امریکا هم فعالیت دارند. بنظر من رئیس جمهور فرانسه با آسانی میتواند خمینی را ساکت کند بخصوص که شما با فرانسویها مناسبات ویژه ای دارید. نمیدانم از فعالیتهای نهضت طرفداران «لوتر» که روش کار آنها همان تکنیک مارکسیستها است اطلاع

دارید. همانطور که قبلاً گفتم همکاری و همفکری مارکسیزم و مذهب مطلب تازه ای نیست. سیستم تماس اینها با یکدیگر از طریق سیستمی که معروف به سلول میباشد انجام میگردد یعنی مثلاً از یک گروه ۳ نفری فقط یک نفر با گروه بالاتر تماس میگردد. شایعاتی در مورد درگیری کشورهای غربی در وقایع اخیر وجود داشته اما باید بگویم که مثلاً سازمان سیا اگر کمکی بشما نکرده علیه شما هم کاری انجام نداده است. کلیه مقامات امریکائی و جامعه امریکا از ارتش شاهنشاهی ایران تحت فرماندهی عالی شاهنشاه حمایت میکنند. نمیخواهیم حوادث افغانستان باز تکرار شود.

-۲-

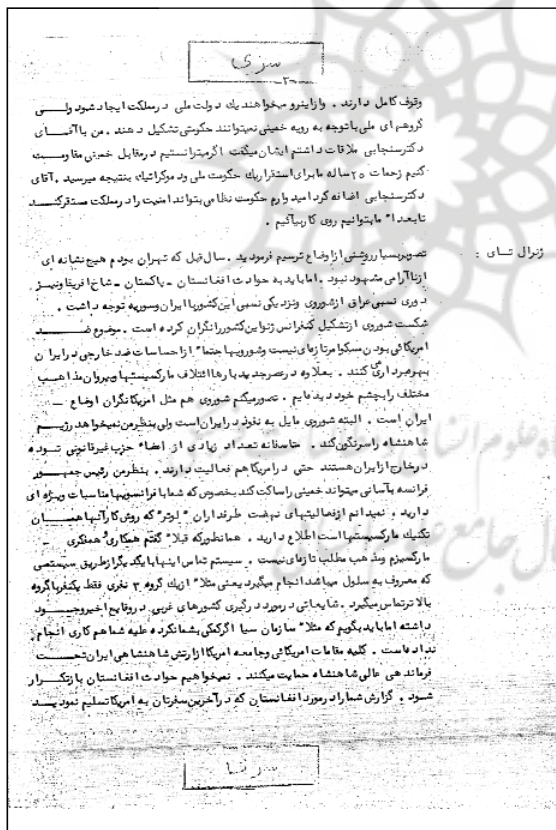
این کمیونستها بودند که از تشریح من هم برای بی نظمی استناد و کردند و گروههای سنتی شریعت هم از این فرصت استفاده نمودند. اما بعد همین موازین رژیم یعنی گروه اول سکوت کردند و طاعت آن این بود و بجهت که مرعوب خمینی و طرفداران او هستند. مثلاً رهبران طرفدار رژیم همگی مابین تم هستند اما کمیونستها در آنها با آخوند ها دست به یک سلسله عملیات ایذائی علیه این رهبران زدند بغیریکه آنها برای ایمنی جان خود از آنها گفند خواستند. نقل و تا و در صد مردم فعال مملکت تجدیدی برای رژیم بوجود میآورند و در در صد دیگر ما هم هستند اما همین دیا و در صد وسیله کمیونستها سازمان یافتند. کمیونستها در سازمانهای سیاسی مملکت مثل نفت - آب و تلنگن و غیره نفوذ کردند و بعد همین سیر خود ساختند. نیروهای انتظامی مانند پلیس و ارتش به درگیریهای شهری آشنائی ندارند و عملیات این نوعی تجربه تعدادی کشته شد و اندک و این خواسته تشریح من هم برهبری خمینی میباشد چون کمیونستها و طرفداران خمینس اعلام کردند میکنند و گفته خواهد شد تا حکومت سرنگون شود. با این ترتیب هرگونه عکس العمل شدید دولت باعث کشته شدن تعداد بیشتری از مردم همین خواهد شد. چون کمیونستها از این فتنه و بعنوان سوراختا نه میکنند. از طرف دیگر شاه و روی - فرمایشات قبلی خود در زمینه نظامی یا سیاسی و قانون اساسی باقی ماندند و از اینرو - سازمانهای امنیتی و پلیس فقط موقعی وارد عمل میشوند که واقعا مورد حمله قرار گیرند. ارتش کاملاً و تا در راستا ماسر بازان وظیفهای که در آینده به ارتش ملحق میشوند و تحت تاثیر تبلیغات چپ افراطی قرار دارند معلوم نیست چه حالتی را بوجود بیاورند. بنظر شخصی من باید روحانیت طرفدار رژیم که اکثریت را تشکیل میدهند تقویت شوند. موضوع ساکت کردن خمینی خیلی اهمیت دارد به علاوه اکثریت مردم به بخش تاریخی بی بی سی گوش میکنند بی بی سی هم سخنگوی نیات خمینی شد و است تمام دستورات مربوط به اعضا با و نظماً هرات از طریق بی بی سی بخش میشود و اگر بی بی سی این حرفها را نزنند بسیاری از گرفتارها تمام میشود. اعتقاد دارم که اگر تشریح من هم کسی کسبه گروههای عقب افتاده می هستند و توانائی اداره کردن خود را ندارند از نظر بینش علمی مشابه کشمکشهای قرنهای هم اروپا میباشد مورد بهره برداری کامل کمیونستها قرار گیرند تمام رحمتی که طی ربع قرن اخیر در ایران تحمل شد ما هم باید رخواهد رفت. اطلاع فرست ما یلند که در میگزاسی واقعی در کمپو قرار شود چه اشتباهات خود نیز در گذشت.

گزارش شما را در مورد افغانستان که در آخرین سفرتان به امریکا تسلیم نمودید و حوادث افغانستان را پیش بینی کرده بودید هنوز بیاد دارم. این گزارش را دستور دادم تکثیر کنند و در میان رده های مختلف توزیع نمایند. بدیختانه جوان ها در دانشگاه های امریکا نیز حرف های خطرناکی یاد میگیرند اما جوان امریکائی متعاقباً به میان یک خانواده محافظه کار بر میگردد و آنچه را که فراگرفته فراموش میکند ولی جوان ایرانی اینطور نیست.

تیمسار ریاست ساواک : فرمودید که تصور نمیکنید شورویها علاقمند به عوض کردن رژیم ایران باشند. من اعتقاد دارم که دولتهای گذشته ایران کمتر روی جوان ها سرمایه گذاری کرده اند و از این عامل مهم غافل بودند و از اینرو اندیشه کمونیستی در میان جوان ها رسوخ پیدا کرد. میدانید که شورویها بمناسبات ما با غرب روی خوشی نشان نمی دهند. آخرین تهدید رسمی آنها در مورد مسافرت رهبر چین به ایران بود که یکی از دیپلماتهای آنها در این باره گفته بود ما اجازه

نمیدهیم این جوجه امریکائیهها پای چین را در خلیج فارس باز کنند و از اینرو بزودی عکس العمل نشان خواهیم داد. این یک تهدید علنی بود و امروز عملاً احساس میکنیم که شوروی بحرف خود عمل کرده جوانهای ما به بی نظمی و اغتشاش و اعتصابات بیشتر توسط کمونیستها تشویق میشوند و چون مذهبیهون و کمونیستها با هم مخلوط شده اند از این رو دست ما بسته است.

سفیر امریکا : من نمیدانم چرا فرانسه و یا مراکش کاری برای شما انجام نمیدهند. چندی پیش با یکی از رهبران یهودی فرانسه در این باره مذاکره میکردم و او عقیده داشت که اگر فرانسویها



مصلحت‌مطالعات تاریخی

بخواهند میتوانند خمینی را خاموش کنند. از وجود سه نفر ایرانی الاصل که گویا یک یا دو نفر از آنها تبعه امریکا باشند در اطراف خمینی اطلاع دارم. اینها تحریکات زیادی میکنند و من شخصاً با یکی از آنها چند سال پیش بخاطر قضیه ویتنام درگیری داشتم ولی تعجبم از این است که چطور فرانسویها جلوی اینها را نمیگیرند.

از حضور تیمسار ریاست ساواک کسب اجازه شد این قبیل مذاکرات ایشان با مقامات خارجی بمنظور ارشاد و ایجاد هم‌آهنگی در رده‌هایی از ساواک که با این قبیل مسائل سر و کار دارند در اختیار آنان گذارده شود که مطالعه نمایند. تصویب فرمودند. بنابراین، این صورتجلسه مذاکرات برای مدیران کل ادارات دوم - هفتم - سوم - هشتم ارسال و تأکید شود در بایگانی مخصوص نگاهداری نمایند. ۹/۱۳.

ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای دکتر «بوئی» معاون سرویس امریکا
(تهران - ۱۳۵۷/۹/۹)

۲۷۰

بعد از تعارفات

آقای بوئی: من برای درک واقعیت اوضاع ایران در تهران هستم و مایلم نظر جنابعالی را در مورد اوضاع و گروههای مخالف و همچنین جبهه ملی و مذهبیون سؤال کنم. آیا بنظر شما جبهه ملی با اعتدالیون مذهبی موافقت خواهند کرد تا یک دولت ائتلافی آنطور که مورد نظر شاهنشاه است تشکیل دهند؟

تیمسار ریاست ساواک: در زمان حال با اعتدالیون غیر مذهبی مشکلی نداریم حتی شخصاً و بکرات با گردانندگان جبهه ملی تماسهایی داشتیم. شخص شاهنشاه نیز تماسهایی با آنها دارند. جبهه ملی معتقد به اجرای قانون اساسی - نظم و امنیت - دموکراسی و مبارزه با کمونیزم میباشد و بهیچوجه معتقد نیستند که رژیم عوض شود. ولی اعتدالیون مذهبی مرعوب قشریون مذهبی برهبری خمینی شده‌اند. در حال حاضر ما نمیتوانیم روی اعتدالیون مذهبی حساب کنیم چون هر قدمی که بر میدارند با توجه به اینکه مرعوب خمینی هستند خیر و صلاح مملکت را در نظر نمیگیرند. حال آنکه جبهه ملی احساس مسئولیت میکند و خیر و صلاح کشور را در نظر دارد. جبهه ملی متوجه منافع مشترک میان ما و دوستان میباشد. در حالیکه اعتدالیون مذهبی به منافع مشترک ما و دوستان ما توجه ندارند. موضوع دیگر این است که اقدامات قشریون مذهبی هر

روز منافع بیشتری را عاید کمونیستها میکند و متأسفانه اعتدالیون مذهبی هم که مرعوب قشریون هستند در مسیری هستند که متضمن منافع کمونیستها است. اگر قرار است حکومت ملی در این مملکت تشکیل شود مذهبیون به آن اعتقادی نخواهند داشت و در آن شرکت نمیکنند چون مرعوب خمینی هستند و خمینی هم مخالف قانون اساسی است. چهره کشور را در دو جمله تشریح می‌کنم: هر روز که میگذرد قشریون مذهبی که متأسفانه مذهبیون معتدل نیز بعلت بی اطلاع بودن از مسائل سیاسی-اقتصادی و اداری مملکت با آنها همگام هستند بیشتر در جهت تفکرات غلط خمینی گام برمیدارند و زمینه را برای کمونیستها آماده میسازند. این تهدیدی برای ما و دوستان ما است. متأسفانه بی. بی. سی هم در این مسیر سرمایه گذاری کرده است.

آقای بوئی: بنظر شما آیا میانه‌روهای جبهه ملی با برنامه‌های اصلاحی که در چهارچوب قانون اساسی در نظر دارند اجراء کنند میتوانند بدون مذهبیون معتدل و بتنهائی تشکیل دولت

بدهند و آیا گروههای مذهبی در تشکیل حکومت با جبهه ملی همکاری خواهند کرد؟

تیمسار ریاست ساواک: اگر سرچشمه این تبلیغات خصمانه یعنی خمینی را ساکت کنیم و اعتدالیون مذهبی دیگر مرعوب او نباشد، مذهبیون با جبهه ملی توافق خواهند کرد. در چنین موقعی جبهه ملی احتمالاً بتنهائی هم خواهد توانست یک حکومت [مبتنی بر] دموکراسی که مورد نظر شاهنشاه و مردم است تشکیل دهد و نظم را برقرار کند.

موضوع دیگر این است که اعتدالیون مذهبی و رهبران مذهبی تماماً موافق شاهنشاه هستند و خواهان استقرار نظم میباشند. آنها با ما ارتباط دوستانه

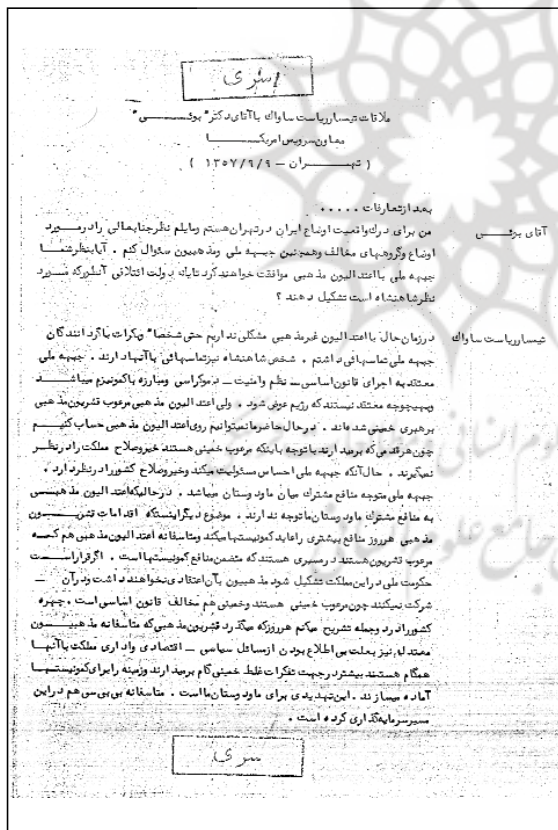


دارند و همچنین با دولت ارتباط نزدیک برقرار کرده اند اما چون خمینی و کمونیستها تعداد کمی از این رهبران مذهبی را مرعوب کرده اند ظاهراً نمیتوانند از دولت حمایت نمایند. موضوع اینستکه کمونیستها قشریون طرفدار خمینی را سازمان داده اند و خودشان گرداننده نمایش هستند. میخواهم بگویم که قدرت واقعی در حال حاضر در دست مذهبیون نیست بلکه در دست کمونیستها است که در پناه قشریون مذهبی و بنام خمینی وارد عمل شده اند.

آقای بوئی: چرا خمینی اینقدر نفوذ پیدا کرده در حالی که میفرمائید سایر رهبران مذهبی موافق او نیستند؟ چطور سایر رهبران مذهبی را مرعوب کرده است؟

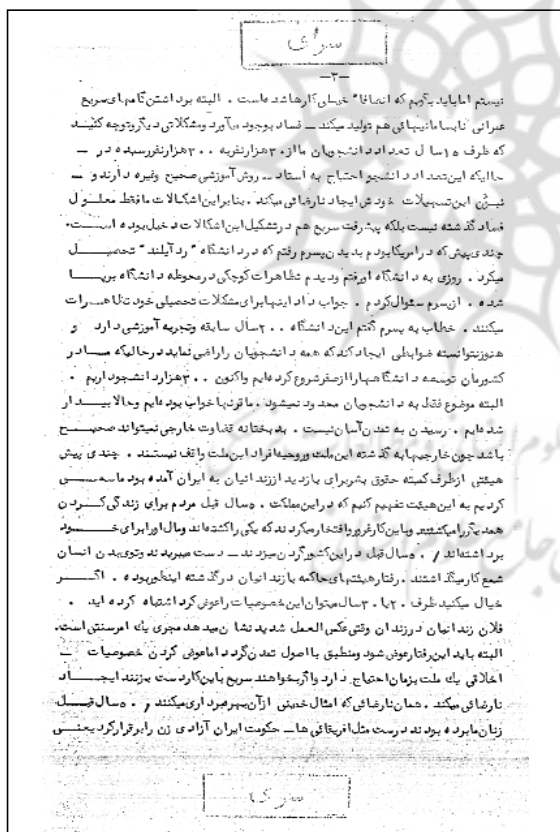
تیمسار ریاست ساواک: موضوع این است که خمینی شخصاً با رژیم سلطنتی مخالف است و در این هدف با کمونیستها وجه مشترک دارد. حال آن که اعتدالیون مذهبی مخالف سلطنت نیستند بنابراین کمونیستها اعتدالیون را تقویت نمیکند بلکه حتی علیه آنها وارد عمل شده اند.

البته اعتدالیون مذهبی هم میتوانند از نارضائیهای مردم استفاده کنند ولی چون موافق رژیم هستند آن قدرتی که خمینی و کمونیستها بدست آورده اند در اختیار ندارند و خواه ناخواه وقتی در یک معادله مخالفین رژیم و کمونیستها در موضع بهره برداری از نارضائی مردم قرار دارند کفه ترازو بِنفع آنها سنگینتر خواهد شد. مخالفان توانسته اند در پوشش مذهب نارضائیهها را بصورت وحشتناکی بزرگ کنند. حال آنکه اگر وضع عوض شود چیزی نیست که جانشین این سیستم شود. قشریون مذهبی سیستم حکومتی و ایدئولوژی سیاسی ندارند. خارجیها نمیتوانند در مورد ایران



بود ما سعی کردیم به این هیئت تفهیم کنیم که در این مملکت ۵۰ سال قبل مردم برای زندگی کردن همدیگر را می‌کشتند و به این کار غرور و افتخار می‌کردند که یکی را کشته‌اند و مال او را برای خود برداشته‌اند / ۵۰ سال قبل در این کشور گردن می‌زدند - دست می‌بریدند و توی بدن انسان شمع کار می‌گذاشتند. رفتار هیئتهای حاکمه با زندانیان در گذشته اینطور بوده. اگر خیال می‌کنید ظرف ۲۰ یا ۳۰ سال می‌توان این خصوصیات را عوض کرد اشتباه کرده‌اید. فلان زندانبان در زندان وقتی عکس‌العمل شدید نشان می‌دهد مجری یک امر سنتی است. البته باید این رفتار عوض شود و منطبق با اصول تمدن گردد اما عوض کردن خصوصیات اخلاقی یک ملت به زمان احتیاج دارد و اگر بخواهند سریع به این کار دست بزنند ایجاد نارضائی می‌کند. همان نارضائی که امثال خمینی از آن بهره‌برداری می‌کنند / ۵۰ سال قبل زنان ما برده بودند درست مثل افریقائی‌ها - حکومت ایران آزادی زن را برقرار کرد یعنی بردگی را لغو کرد اما

مذهبیون مخالف آن هستند و یکی از مشکلات ما در حال حاضر همین است. مردم هنوز حرف رهبران مذهبی را گوش می‌کنند و حرفهای آنها تلقین پذیر است. رهبر مذهبی میگوید با این تحولات اجتماعی باید مبارزه کرد او میخواهد بزمان بردگی برگردد. مذهبیون ما را با کشیشهای مسیحی مقایسه نکنید. چون کشیشهای مسیحی مبنای بسیاری از تحولات علمی و فلسفی در اروپا بوده‌اند. حتی این ۱۰-۱۲ نفری که در این کشور مقام روحانی والائی دارند بضاعت علمی ندارند و با این ترتیب نمیتوانند در کنار جبهه ملی مملکت را اداره کنند. بنظر من اگر مملکت را بدست یک



چهار دیدار درباره خطر کمونیسیم

دیوانه بدهند بهتر است تا در اختیار عناصر مذهبی بگذارند. در اینجا باید بگویم نفوذ خمینی بخاطر عمامه و لباس روحانی و یا تقوی و پرهیزکاری و یا ملت دوستی او نیست بلکه مشکلات مملکت است که از خمینی یک آدم بانفوذ ساخته است.

آقای بوئی: آیا اعلیحضرت میتوانند با شرکت جبهه ملی دولتی تشکیل دهند و آیا جبهه ملی برای مقابله با اوضاع و مذهبیهون مخالف که ضد برنامه های اصلاحی هستند قدرتی دارد؟ تیمسار ریاست ساواک: قبلاً عرض کردم. اگر به صورتی بشود که صدای خمینی را خاموش کرد یعنی مخالفت او را علیه رژیم از میان برد و بی. بی. سی هم دیگر تحریک نکند با اعتقاد به اینکه اعلیحضرت متوجه هستند که باید سلطنت کنند نه حکومت و میلیون نیز ۲۵ سال برای اجرای قانون اساسی مبارزه کرده اند و معتقدند که اعلیحضرت باید سلطنت بفرمایند نه حکومت، جبهه ملی میتواند با کمک سیاستمداران مستقل یا منفرد که جبهه ملی را قبول دارند و

جبهه ملی هم آنها را قبول دارد حکومتی تشکیل دهد اما در شرایط فعلی جبهه ملی بتهائنی بخصوص با توجه به سم پاشیهای خمینی نمی تواند حکومتی تشکیل دهد. کمالینکه دکتر سنجابی که به قانون اساسی - رژیم سلطنت و شخص اعلیحضرت اعتقاد دارد می گوید موقعی می شود حکومت ملی برقرار کرد که خمینی ساکت شود. بنده از سنجابی پرسیدم چرا دیر به ایران آمدی؟ پاسخ داد من می دانستم که اعلیحضرت می خواهند برای تشکیل حکومت از ما استفاده بفرمایند اما وقتی دیدم که خمینی می گوید باید پادشاه از یک در برود و من (خمینی) از در دیگر وارد شوم و

شماره ۱

بردی را فکرت امانت همین مخالف آن هستند و یکی از مشکلات ما در حال حاضر همین است. مردم در تیزر، رهبران مذهبی را گوش میکنند و حرفهای آنها تا حدی پذیرفته است. رهبر مذهبی میگوید با این تحولات اجتماعی باید مبارزه کرد و این خواهد بود بزمان برنگس برگرد. مذهبیهون طارنا کثیف های مسیحی مقایسه کنند. چون کثیفیهای مسیحی منبای بسیاری از تحولات علمی و فلسفی در اروپا بود مانند. حتی این ۱۰-۲۰ نفری که در این کشور تمام روحانی و لایق دارند به مخالفت علمند از این طریق نمیتوانند در کشور جبهه ملی مملکت را اداره کنند. بنابراین اگر سلطنت را بدست بیاورند بهر حال بهر است تا در اختیار اعلیحضرت جیب بگذارد. در اینجا باید بگویم نفوذ خمینی به خاطر عمامه و لباس روحانی و تقوی و پرهیزکاری و یا ملت دوستی او نیست بلکه مشکلات مملکت است که از خمینی یک آدم بانفوذ ساخته است.

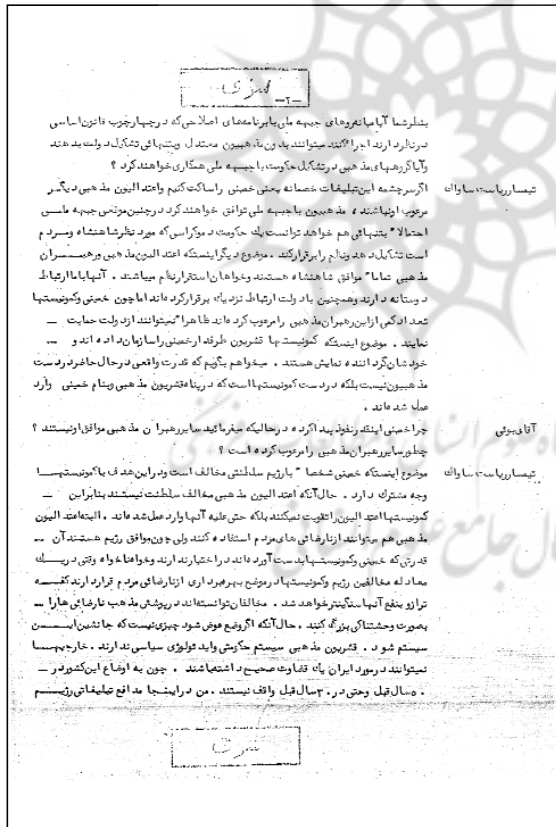
آقای بوئی: اعلیحضرت میتوانند با شرکت جبهه ملی دولتی تشکیل دهند و آیا جبهه ملی برای مقابله با اوضاع و مذهبیهون مخالف که ضد برنامه های اصلاحی هستند قدرتی دارد؟ تیمسار ریاست ساواک: قبلاً عرض کردم. اگر به صورتی بشود که صدای خمینی را خاموش کرد یعنی بخاطر عمامه و لباس روحانی و یا تقوی و پرهیزکاری و یا ملت دوستی او نیست بلکه مشکلات مملکت است که از خمینی یک آدم بانفوذ ساخته است.

شماره ۱

چهار دیدار درباره خطر کمونیزم

یک قضاوت صحیح داشته باشند. چون به اوضاع این کشور در ۵۰ سال قبل و حتی در ۳۰ سال قبل واقف نیستند. من در اینجا مدافع تبلیغاتی رژیم نیستم اما باید بگویم که انصافاً خیلی کارها شده است. البته برداشتن گامهای سریع عمرانی نایسامانیهایی هم تولید میکند - فساد به وجود میآورد و مشکلاتی دیگر و توجه کنید که ظرف ۱۵ سال تعداد دانشجویان ما از ۳۰ هزار نفر به ۳۰۰ هزار نفر رسیده در حالیکه این تعداد دانشجو احتیاج به استاد - روش آموزشی صحیح و غیره دارند و نبودن این تسهیلات خودش ایجاد نارضایتی میکند. بنابراین اشکالات ما فقط معلول فساد گذشته نیست بلکه پیشرفت سریع هم در تشکیل این اشکالات دخیل بوده است. چندی پیش که در امریکا بودم بدیدن پسر م ر قتم که در دانشگاه «ردآیلند» تحصیل میکرد. روزی به دانشگاه او رفتم و دیدم تظاهرات کوچکی در محوطه دانشگاه برپا شده. از پسر م سؤال کردم. جواب داد اینها برای مشکلات تحصیلی خود تظاهرات میکنند. خطاب به پسر م گفتم این

دانشگاه ۲۰۰ سال سابقه و تجربه آموزشی دارد و هنوز نتوانسته ضوابطی ایجاد کند که همه دانشجویان را راضی نماید در حالیکه ما در کشورمان توسعه دانشگاهها را از صفر شروع کرده ایم و اکنون ۳۰۰ هزار دانشجو داریم. البته موضوع فقط به دانشجویان محدود نمی شود. ما قرنهای خواب بوده ایم و حالا بیدار شده ایم. رسیدن به تمدن آسان نیست. بدبختانه قضاوت خارجی نمیتواند صحیح باشد چون خارجیها به گذشته این ملت و روحیه افراد این ملت واقف نیستند. چندی پیش هیئتی از طرف کمیته حقوق بشر برای بازدید از زندانیان به ایران آمده



بشتر تا آبیان نبره ای جبهه ملی با برنا صفا ای اصلاحی که در چهار چوب داین اساسی در نآورد از نآید را آنگند می نآند بی آن هبیین معتدل جنبه ای تشکیل دولت بد نند و آیا گزرها و ی نذ هین در تشکیل حکومت با جبهه ملی همکاری خواهند کرد ؟ اگر سرچشمه این تبلیغات خصمانه بخش عمیق راسا کت کم و اجته الیون مذ هین دیگر مرغوب ایشا شده مذ هین با جبهه ملی توافقی خواهند کرد در چنین موقتی جبهه ملی مساحتلا جنبه ای هم خواهد توانست یک حکومت موزاکی که مورد نظر ما هشا و مسرد م است تشکیل دهد بی آن م برقرار کند . موضوع دیگر اینست که اعتد الیون مذ هین بر همسازان مذ هین شاماً موافق شاهنشاه هستند و در اهان استقرار نام می نآند . آتیها با ما ایشا مذ د و ستانند از نذ و همچنین با دولت ایشا مذ نذ به برقرار کرده اند اما چون عینی و کمیونیتها تعد اد کمی از این رهبران مذ هین را مرغوب کرد ما نذ ظاهراً نمیتوانند از دولت حمایت نمایند . موضوع اینست که کمیونیتها قشرین طرفدار عینی راسا زبان د اند و خودشان گرد آمده نمایش هستند . عواو هم بگویم که قدرت واقعی در حال حاضر در دست مذ هین نیست بلکه در دست کمیونیتها است که در نآه اکثریون مذ هین و شام عینی وارد حلی شده اند . چرا عینی اینکه رفتند باید آرد و در حالیکه سیر ما تعد سیر رهبران مذ هین موافق ایشا ؟ چطور میا بر رهبران مذ هین را مرغوب کرده است ؟ موضوع اینست که عینی شخصاً با رژیم سلطنتی مخالف است و در این جبهه با کمیونیتها وجه مشترک دارد . حال آنکه اعتد الیون مذ هین مخالف سلطنت نیستند بنابراین کمیونیتها اعتد الیون را نمیتوانند بلکه حتی علیه آنها وارد عمل شده اند . البته اعتد الیون مذ هین هم نمیتوانند از رفتاری ما بی مردم استناد و کنند ولی چون موافق رژیم هستند آن قدرتی که عینی و کمیونیتها بدست آورد نند در ارضار نند و عواو عواو وقتی در سبک معادله مخالفین رژیم و کمیونیتها در موضع بهر طرف ازی ایشا رضای مردم قرار آرد آنگه تر اوز بنفع آنها سبکتر خواهد شد . مخالفان عواو نند در روش مذ هب ناراضی هانرا بصورت وحشتناکی بزرگ کنید . حال آنکه اگر وضع موضی خود چیزی نیست که جانسین ایستمن سیستم شو د . قشرین مذ هین سیستم حکومتی و اید توتوزی سیاسی نذ آردند . خارج جبهه نمیتوانند در مورد ایران با قضاوت صحیح داشته باشند . چون به اوضاع این کشور در ۵۰ سال قبل و حتی در ۳۰ سال قبل واقف نیستند . من در اینجا مدافع تبلیغاتی رژیم

حکومت اسلامی تشکیل دهم دیدم فایده‌ای ندارد و هرگونه اقدامی در این اوضاع و احوال سرکوفتن بر سنگ است. واقعه تأسف‌آور اخیر مربوط به مسافرت شهبانو به عراق و ملاقات ایشان با آیت الله خوئی که از مراجع تقلید بوده و میانه رو سلطنت طلب هستند می باشد. علیاحضرت شهبانو از آقای خوئی که پیرمرد وارسته‌ای است در منزلش عیادت فرمودند. الان بیش از ۱۰ روز است که خمینی و کمونیستها تمام تلاش خود را برای تضعیف آیت اله خوئی بکار میبرند که چرا به ملکه ایران وقت داده تا از او عیادت کند. اینها آنقدر عناد دارند که هرگونه تفاهمی با آنها در حال حاضر غیرممکن است. هیچ یک از آیات عظام ایرانی در داخل یا خارج کشور مانند خمینی [...] نیستند ضمن اینکه کمونیستها هم خمینی را محاصره کرده‌اند. بقیه رهبران مذهبی از خمینی میترسند شما خودتان به قم بروید بچشم خود ببینید که کمونیستها هر روز جلو خانه شریعتمداری جمع میشوند و به او فحش

میدهند و این پیرمرد و

خانواده‌اش را تهدید بمرگ

میکنند. آیت اله شریعتمداری

میگوید من از خمینی نمیترسم

اما از کمونیستهای طرفدار

او میترسم و از ما درخواست

کرده که جان او و خانواده‌اش را

حراست کنیم.

باز تکرار میکنم هر چه زمان

جلو میرود کارهای قشریون

مذهبی بیشتر بفتح کمونیستها

تمام میشود شاید من مدتی دیگر

در این شغل نباشم و یا حتی

زنده نباشم اما اگر قدرت

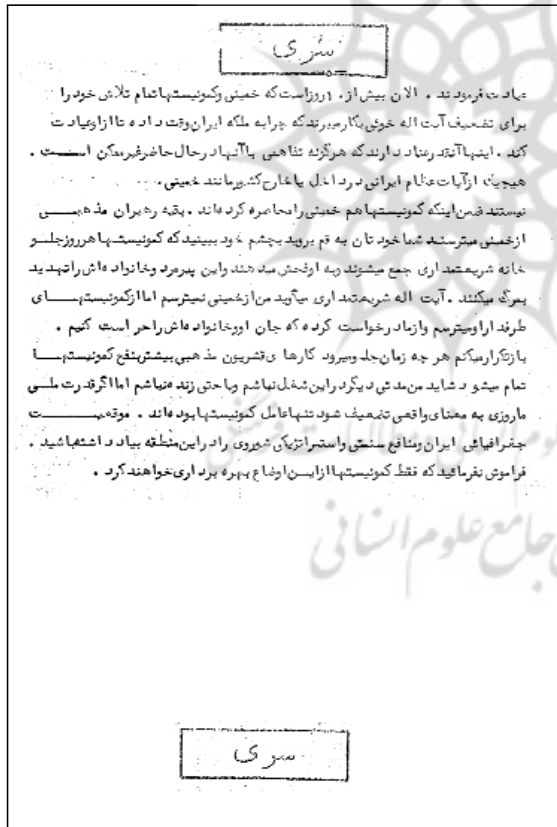
ملی ما روزی به معنای واقعی

تضعیف شود تنها عامل

کمونیستها بوده‌اند. موقعیت

جغرافیایی ایران و منافع سنتی و

استراتژیکی شوروی را در این



چهار دیدار درباره خطر کمونیسیم

منطقه بیاد داشته باشید. فراموش نفرمائید که فقط کمونیستها از این اوضاع بهره برداری خواهند کرد.

پانوشتها

۱- احتمال دارد رابط سازمان C.I.A که در اینجا «فلتمن» یاد شده، همان جفری دیوید فلتمن (Jeffrey David Feltman) باشد که هم اکنون سفیر امریکا در لبنان است. و نامش به عنوان نامزد ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ نیز مطرح شد. (CIA Sources).

۲- روایت سولیوان درباره دیدار خود با شاه جالب است. او پس از دادن خبرهایی از وضعیت روحی و ظاهری شاه می نویسد: «اعتقاد او بر این بود که تظاهرات و فعالیتهایی که علیه رژیم انجام شده طبیعی و خودجوش نیست، بلکه برنامه از پیش طرح شده ای بر ضد رژیم است. شاه در تشریح و توضیح این نظر خود پای قدرتهای خارجی را به میان کشید و گفت آنچه پیش آمده از حدود توانایی و قابلیت ک. گ. ب (سازمان جاسوسی شوروی) خارج است و باید دست اتلیجنس سرویس و سازمان سیا هم در کار باشد. شاه مخصوصاً روی نقش انگلیسیها در این ماجرا تأکید می کرد و می گفت انگلیسیها بعد از ملی شدن نفت، کینه او را به دل گرفتند و چون زیر بار شرایط آنها برای تمدید قرارداد کنسر سیوم نفت نرفته است دست به تحریک بر ضد او زده اند. شاه اخبار و گفتارهای رادیوی بی. بی. سی را که به تبلیغ نظرات مخالفان پرداخته و لحن انتقادآمیزی نسبت به رژیم او در پیش گرفته بود به عنوان شاهد مدعای خود ذکر کرد. اما آنچه شاه را بیشتر از همه رنج می داد، نقشی بود که سازمان سیا به خیال او در فعالیتهای ضد رژیم بازی می کرد. او با شگفتی و ناراحتی می پرسید مگر با امریکاییها چه کرده است که سیا بر ضد او دست به کار شده است؟ شاه به جریان مسافرتش به امریکا و بازدید پرزیدنت کارت از ایران اشاره کرد و گفت او گمان می کرد که پس از این دید و بازدیدها و مذاکراتی که صورت گرفته، روابط ایران و امریکا بر پایه محکمی استوار شده و امریکا از سیاستهای او پشتیبانی می کند. حال او می خواست بداند چه پیش آمده است که امریکا از حمایت او دست برداشته؟ آیا او کاری کرده است که موجب نارضایتی امریکاییها شده؟ یا بین ما و روسها توافق محرمانه ای برای تقسیم جهان صورت گرفته و ایران هم جزئی از این توافق است؟ از طغیان و خشم و غضب شاه و حرفهایی که از زبان او شنیدم لحظه ای گیج و مبهوت شدم. او با لحن مردی سخن می گفت که ناجوانمردانه مورد خیانت واقع شده و گویی دادخواهی می کرد. شاه در تمام مدت صحبتش با حالتی پریشان و احساساتی سخن می گفت. به طوری که در پایان این صحبتها واقعاً متحیر بودم که چه واکنشی باید نشان دهم. بالاخره خود را باز یافتم و بالحنی آرام بخش و با قدرت منطق و استدلالی که در توان داشتم سعی کردم اطمینان و اعتقاد متزلزل شده شاه را نسبت به امریکا به دست آورم و به او اطمینان بدهم که امریکا همچنان پشتیبان او است و رئیس جمهوری و سایر مقامات ارشد امریکایی کاملاً مسائل و مشکلات او را درک می کنند. پس از مراجعت به سفارت، من جریان این ملاقات عجیب را تقریباً با جزئیات آن به واشنگتن مخابره کردم و پیشنهاد نمودم نامه ای از طرف پرزیدنت کارت خطاب به شاه نوشته شود و پشتیبانی امریکا را از وی تأیید نماید. من عقیده داشتم هرگونه اشاره ای به اتهامات خودساخته شاه درباره حمایت سیا از مخالفان وی در نامه رئیس جمهوری نامناسب

مصلحت‌محالعات تاریخی

خواهد بود. لیکن نامه می‌بایست طوری نوشته می‌شد که خود به خود این اتهامات را مردود بشمارد...» (مأموریت در ایران، ویلیام سولیوان، ترجمه محمود مشرقی، انتشارات هفته، ۱۳۶۱ ش، صص ۱۱۰ تا ۱۱۲).

۳- سولیوان در کتاب خود اشاره‌ای به دیدارهای بعدی اش با وزیر دربار و نخست‌وزیر وقت نمی‌کند.

۴- سفر هواکوفنگ، رهبر جمهوری خلق چین، به تهران از منظر برخی مطبوعات غربی، مفهومی جز حمایت از حکومت شاه نداشت، آن هم با نشان دادن این موضوع که حضور وی در تهران هشدار است برای شوروی که از دخالت در امور ایران پرهیز کند. روزنامه دویچه سائیتونگ در شماره دوم شهریورماه خود نوشت که «دیدار رهبر چین از تهران در این شرایط نگرانی شاه را در مورد اتحاد ملاحا و نیروهای طرفدار شوروی مورد تأکید قرار می‌دهد.» (بولتن محرمانه خبرگزاری پارس، ش ۱۵۸-۱۵۷/۶/۳-۵۷/۶-۷ صص ۶-۷).

سفر هواکوفنگ در مرحله حساسی صورت گرفت. در این زمان که دولت جمشید آموزگار پس از حادثه سینما رکس آبادان مجبور به استعفا شد و جای خود را به دولت جعفر شریف امامی سپرد، ایران نیازمند حمایت قدرتهای بزرگ بود. این حمایت از ناحیه دنیای غرب جاری بود. اگر در چنین مقطعی، قطبی از دنیای شرق نیز عملاً از حکومت پهلوی دفاع می‌کرد، برای شاه می‌توانست امیدبخش باشد، بویژه که او طبق ذهنیت سنتی خود معتقد بود، شوروی در امور ایران دخالت می‌کند و اگر این سفر سیاسی به تقویت این مفهوم می‌انجامید، شاه به هدف خود رسیده بود.

پنجم شهریور جابه‌جایی دولتها صورت گرفت. دو روز بعد یعنی در هفتم شهریورماه هواکوفنگ وارد تهران شد. این سفر به دعوت شاه صورت گرفته بود. صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس شورای دولتی جمهوری خلق چین برای دیدار رسمی چهار روزه وارد تهران شد و مورد استقبال شاه قرار گرفت. هواکوفنگ در میدان شهید (آزادی) کلید طلایی تهران را از دست شهردار گرفت و با هلی‌کوپتر به سوی کاخ گلستان پرواز کرد. روز هشتم شهریور شاه در مهمانی رسمی که به افتخار حضور رهبر چین در کاخ گلستان برپا کرد، پس از بیان مناسبات و مشترکات تاریخی دو کشور، شرکت نایب رئیس کمیته ملی خلق چین را در جشنهای دوهزار و پانصدساله و سفر فرح، همسرش، را یک سال پس از آن به چین، نشانه ادامه پیوندهای بین دو کشور دانست و با تأکید بر سیاست چین در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس یادآور شد «سیاست قاطع و اعلام شده کشور شما در این مورد که خلیج فارس و اقیانوس هند می‌باید مناطق ثبات و امنیت باشند و حفظ این امنیت منحصراً با کشورهای مجاور آنهاست، نمونه بارزی از حسن تفاهم متقابل است.» رهبر چین هم در سخنانی با ادبیات خود، شاه را چنین ستود: «طی دوران معاصر، کشور شما نیز مورد تجاوز و ظلم و ستم امپریالیستها قرار گرفته بود، اما مردم ایران دلیرانه به مبارزه دست زدند و هیچ‌گاه سر تسلیم فرود نیاوردند و نیروهای تجاوزکار را در هم شکستند.» (اطلاعات، ش ۱۵۶۹۹، ۵۷/۶/۸-۵۷/۶-۸ صص ۲۷).

بی‌شک منظور هواکوفنگ از نیروهای تجاوزکار، اشاره به اشغال آذربایجان در اوایل دهه بیست بود. یونایتدپرس در تفسیری از این سفر و سخنان هواکوفنگ در ضیافت شام نوشت که: «به نظر رسید که «هوا» با شاه موافق است که لااقل قسمتی از آشوبهای شهری موجود را می‌توان تقصیر عناصر جناح چپ هوادار مسکو دانست.» (بولتن محرمانه خبرگزاری پارس، ش ۱۶۴، ۵۷/۶/۹، ۵۷/۶-۹ صص ۱۵).

۵- اواسط خرداد ۱۳۵۷ ارتشبد نعمت‌الله نصیری رئیس ساواک از کار برکنار شد و به سمت سفیر ایران در پاکستان منصوب گردید. شاه سبهد ناصر مقدم را جایگزین او کرد. این جا به جایی یکی از واکنشهای شاه نسبت به اعتراضات عمومی علیه حکومت او بود. پس از روی کار آمدن دولت جعفر شریف امامی، وی همه تلاشهای خود را صرف خاموش کردن شعله اعتراضها و اعتصابها کرد. در این راه، او با شعار مبارزه با فساد دولتمردان، اقداماتی صورت داد که با دستگیری چهره‌های

چهار دیدار درباره خطر کمونیسیم

شناخته شده‌ای همراه بود. از آن جمله بود رئیس سابق ساواک، نعمت‌الله نصیری. نصیری ۷۷ ساله در چهاردهم مهر از سمت سفارت ایران در پاکستان کنار زده شد. یکی از موضوعات جنجالی مطبوعات در همین زمان رسیدگی به جرمها و اتهامهای وی بود. با گشایش نسبی فضای سیاسی، آن هنگام برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی نیز علیه او حرف زدند و او را عامل نابسامانیهای کشور خواندند. از این رو دولت مجبور شد برخی از افراد فاسد و جنایتکار پایین دست شاه را قربانی کند تا مسیر اتهامها به طرف محمدرضا پهلوی سیر نکند. پس از بازگشت نصیری، او را دستگیر کردند. اظهارات نماینده سازمان C.I.A در این گزارش و ابراز نگرانی او و دیگر مقامات سازمان متبوعش معطوف به موقعیت اخیر نعمت‌الله نصیری است.

۶- منصور رفیع‌زاده از یاران نزدیک مظفر بقایی بود. احتمالاً در اوایل دهه چهل به امریکا رفت. مدتی در آنجا روزنامه «شهاب» را به زبان فارسی منتشر کرد که در واقع پی‌گیری مشی سیاسی حزب زحمتکشان بود. در اسناد لانه جاسوسی، او معاون رئیس گروه ملی دانشجویان ایرانی در ایالات متحده که سازمان دانشجویان حامی مظفر بقایی بود، معرفی شده است. رفیع‌زاده ظاهراً نماینده سیاسی، اما سمت اصلی او در امریکا سرپرستی ساواک در آن کشور بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی خاطرات خود را در کتابی تحت عنوان «شاهد» یا «شاهد دست اول حکومت وحشت» منتشر کرد. در این کتاب او خود را مأمور دو جانبه ساواک و سازمان C.I.A معرفی کرده است.

۷- رضا پهلوی پسر شاه در ۵۷/۴/۲۷ عازم سفری بی‌بازگشت به امریکا شد. او که در آن زمان ۱۸ سال بیشتر نداشت وارد تگزاس شد تا به مدت یک سال در پایگاه هوایی «ریز» در نزدیکی «لوپاک» به کارآموزی خلبانی مشغول شود. همان زمان خبر گزاریهایی نوشتند که رضای پهلوی در زمان اقامت خود در یک ساختمان نظامی زندگی خواهد کرد که به وسایل ایمنی مجهز است و تعطیلات آخر هفته را در ملکی به ارزش ۲۵۰ هزار دلار خواهد گذراند که شاه برای او در لوپاک خریداری کرده است. (بولتن محرمانه خبرگزاری پارس، ش ۱۲۲، ۵۷/۴/۲۹، ص ۱۰) دیدار رضا پهلوی از سازمان C.I.A که نماینده این سازمان بدان اشاره می‌کند، نشان می‌دهد که غیر از آموزش خلبانی، پسر شاه می‌بایست در جریان اموری قرار می‌گرفت که به احتمال زیاد در صورت جانشینی او به جای پدر، باید از آن آگاه می‌بود. شاید «تربیت سیاسی» عنوان درخوری برای علت حضور رضای پهلوی در امریکا باشد.

۸- رئیس ساواک، ناصر مقدم، چه در این دیدار و چه در دیدارهای بعد، تأکید فراوانی بر هماهنگی نیروهای مذهبی و کمونیستها می‌کند. اگر رهبری امام خمینی در آن زمان، شباهتی به رهبریهای سیاسی مرسوم می‌داشت، چه بسا ایشان با همان اندک گروههای سیاسی چپ، برای سرنگون کردن نظام شاهنشاهی هم‌آوایی می‌کرد. اما اظهارات امام در این مورد خاص، شنیدنی است. مرور برخی از گفت‌وگوهای ایشان با نمایندگان رسانه‌ها در زمانی که مقیم نوفل‌لوشاتو بودند به جا خواهد بود. روز سیزدهم آذر ۱۳۵۷ خبرنگار انگلیسی رادیو بی. بی. سی از امام خمینی چنین سؤال کرد: جواب حضرت تعالی در مورد اطلاعات شاه که می‌گوید شما با کمونیستهای بین‌المللی متحد هستید که اینها خدایانستند جواب شما در مورد این اتهامات چیست؟ امام پاسخ دادند: «جواب ما این است که هیچ‌گاه اسلام با کمونیسم موافق نیست و هیچ وقت ملت اسلام با کمونیستها موافق نبوده‌اند. در طول تاریخ ملاحظه می‌شود که مسلمین علی‌حده بوده‌اند و اگر کمونیستی در ایران بوده باشد، مسائلمان مورد نظر مسلمین نبوده است. در این جنبشی که الآن در ایران است، همه می‌بینند تمام مردم مسائل اسلام را طرح کرده‌اند و هیچ مسئله کمونیستی‌ای در کار نیست. بنابراین شاه تهمت می‌زند. این دست و پای است برای حفظ خودش.» (صحیفه امام، ج ۵، صص ۱۷۰ و ۱۷۱).

روز شانزدهم آذر ۱۳۵۷ امام در مصاحبه با خبرنگار امریکایی مجله نیوزویک در برابر این سؤال: در محافل غربی شایع

است که شما به وسیله چپها کنترل می شوید. آیا معتقدید که کمونیستها در میان افراد شما باشند؟ چنین پاسخ می دهد: «نه ابدأ. این حرفها به طور کلی دروغ است.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۰).

روز شانزدهم آذر ۱۳۵۷ امام در مصاحبه با خانم جورجی گایر از روزنامه لوس آنجلس تایمز در برابر این سؤال که: حضرت آیت الله آیا شما علاقه ای یا اهمیتی به همکاری با عناصر مارکسیستی می دهید و آیا بین هدفهای جنبش شما و مارکسیستها هیچ سازگاری وجود دارد؟ و آیا نسبت به مقاصد شوروی در ایران نگران هستید؟ چنین پاسخ می دهند: «هدفهای ما با هدفهای آنها مختلف است. ما متکی بر اسلام هستیم و بر توحید و آنها مخالف با هر دو آنها هستند. احکام ما احکام اسلام است و آنها اسلام را نمی پذیرند و لذا ما به آنها نه تنها علاقه مند نیستیم که همکاری هم نداریم و نخواهیم داشت. اما راجع به شوروی، نه، ما نگرانی نداریم. برای اینکه ملتی که خودش سرپای خودش زندگی می کند، کسی نمی تواند در امور آن دخالت کند.» همین خبرنگار سؤال می کند: «حضرت آیت الله در گزارشهای مطبوعاتی آمده است که دولت‌های لیبی و جبهه ملی آزادیبخش فلسطین حرکت‌های ضدشاه را در ایران تقویت مالی می کنند. ممکن است حضرت تعالی بفرماید که سازمان آزادیبخش فلسطین و لیبی و سایر کشورها و احزاب کمونیستها تا چه مقدار جنبش شما را کمک می کنند. امام در پاسخ می فرماید: «ما به کمک مالی آنان احتیاجی نداریم و به کمکهای دیگر از قبیل کمکهای تبلیغاتی هم که احتیاج هست، هیچ کس کمکی نکرده است و اما احزاب کمونیست و کشورهای دیگر چون آن دو هیچ کاری برای ما نکرده اند. این است استقلال به معنای عالی کلمه.» (صحیفه امام، ج ۵، صص ۱۸۱، ۱۸۲).

امام در مصاحبه با خبرنگار لبنانی نشریه «امل» ارگان جوانان حرکت المحرومین در ۱۶ آذر ۱۳۵۷ در برابر این سؤال که: ابرقدرتها و وابستگان آنها نمی توانند معنی استقلال را دریابند. در منطق سیاسی آنها هر کس که به یکی از آنها متکی نباشد، بلافاصله وابسته به دیگری معرفی می شود. این امر در لبنان زیاد به چشم می خورد. امروز هم نظیر آن را در ایران می بینیم. با توجه به این مطلب آیا رابطه ای بین حرکت اسلامی شما و کمونیستها وجود دارد؟ امام فرمودند: «خیر، رابطه ای وجود ندارد. ما همان طور که امریکا را مورد حمله قرار داده ایم، شوروی هم مورد حمله است. برای ما فرقی بین شرق و غرب نیست. ما با اتکای به خدا و ملت شجاع، استقلال واقعی را به دست می آوریم.»

همین خبرنگار می پرسد: گفته می شود که سقوط شاه یعنی روی کار آمدن کمونیستها، آیا این امر صحیح است؟! امام در جواب فرمودند: «خیر، مردم آگاه ایران با تجربیات تلخی که از کمونیستها به دست آورده اند هرگز به آنان مجال دخالت در سرنوشت خویش را نمی دهند.»

۹- ناصر مقدم در اینجا نیز متوسل به دروغ می شود. ساواک برای برپایی تظاهرات موافق حکومت به نیروهای انتظامی توصیه هایی کرده بود. پدیده چماق داری از همین رهگذر رخ نمود و موجب جنایتها، آتش سوزیها و تخریب اموال عمومی گردید. نمونه بارز این موضوع در ۵۷/۷/۲۴ در مسجد جامع کرمان روی داد که منجر به آتش سوزی برخی از نقاط این مسجد توسط چماق دارانی گردید که توسط نیروهای شهربانی حمایت می شدند. تظاهرات موافق حکومت شاه، کمتر در شهرهای بزرگ و بیشتر در شهرستانها و بخشها شکل می گرفت که در موارد اخیر ژاندارمری نقش هماهنگ کننده داشت. در اینجا متن یک سند ساواک را مرور می کنیم که در همین مورد است. ودیعی رئیس ساواک خوزستان در نامه ای سری (۵۷/۹/۱ - ۳/۲۶۸۲۱) - که قطعاً دستوری عمومی از تهران برای همه شعب ساواک بوده - به مسئول ساواک دزفول چنین می نویسد: «پیرو شماره ۱۰۹۵۴ هـ ۱ - ۵۷/۸/۲۵ ضمن تأکید مجدد در زمینه ایجاد هماهنگی و همکاری لازم با ژاندارمری کشور شاهنشاهی برای برگزاری مطلوب تظاهرات ملی و میهنی دستور فرمائید در تجهیز مردم جهت برگزاری مراسم از افراد خوشنام و اصیل که در نظر مردم محبوبیت دارند استفاده و از هر گونه درگیری اجتناب و کوشش نمایند جنبه

چهار دیدار درباره خطر کمونیسیم

تصنعی و نمایشی نداشته باشد. ودیعی.»

۱۰- مقدم در دیدار دیگرش هم این ارقام را تکرار می‌کند. گفتنی است که تعداد دانشجویان در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ با احتساب دانش سراها و مراکز تربیت معلم ۲۳۳ هزار و ۵۰۷ نفر بود و در همین سال تحصیلی تعداد دانش‌آموزان با احتساب کودکانها (۲۵۹ هزار و ۴۹۷ کودکانی) هفت میلیون و ۲۷۷ هزار و ۶۳ نفر برآورد شد. (مأخذ: وزارت آموزش و پرورش).

